

بررسی رابطه هوش هیجانی در سازگاری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی شهر جزینک

نیایش سروش^۱، افسانه شهرکی^۲، طوبی شهرکی^۳، فهیمه وارسته سیستانی نژاد^۴

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد زاهدان و آموزش و پرورش شهرستان زهک (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور زابل و آموزش و پرورش شهرستان زهک

^۳ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد چابهار و آموزش و پرورش شهرستان زهک

^۴ کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور زاهدان و آموزش و پرورش شهرستان زهک

چکیده

با پیشرفت علم و تکنولوژی و صنعتی شدن زندگی جوامع بشری و افزایش زندگی شهرنشینی و از طرفی گسترش روزافزون استفاده از تلفن های هوشمند و حضور گسترده افراد جامعه در فضای مجازی موجب شده است سطح مراودات اجتماعی کاهش یابد و به تبع آن هوش هیجانی در تمامی سطوح سنی با تهدیدی جدی مواجه گردد امروزه هوش هیجانی به عنوان یک موضوع جدید در حوزه روان شناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، مبین نقش هوش هیجانی و مولفه های آن در جنبه های مختلف زندگی فرد همچون پیشرفت تحصیلی، ازدواج، شغل و روابط اجتماعی می باشد. در شهر جزینک از جامعه آماری معین و روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی از ۶۲ نفر از دانش آموزان ابتدایی (دوره دوم) پایه های چهارم و پنجم و ششم با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای گزینش نموده و مورد بررسی قرار گرفتند فرض اصلی پژوهش بر این بود که هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر جزینک رابطه معناداری دارد در این پژوهش برای دریافت اطلاعات هوش هیجانی دانش آموزان از پرسش نامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۱۹۹۷) و از پرسش نامه ۱۵ سوالی استفاده شد.

واژه های کلیدی: هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی، دانش آموز، پیشرفت تحصیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. هوش هیجانی

هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک حیطه چند عاملی از مجموعه مهارت‌ها و صلاحیت های اجتماعی است که بر توانایی های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مسأله و سازگاری تأثیر می گذارد و به طرز مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش های زندگی سازگار می کند. ریشه های تاریخی این مفهوم را می توان در قرن ۱۹ جستجو کرد. داروین در سال ۱۸۷۲ میلادی، اولین اثر معروف خود را در این زمینه منتشر نمود. او اثبات کرد که ابراز عواطف در رفتارهای سازگانه مهم هوش هیجانی تا امروز مورد قبول صاحب نظران بوده است هوش هیجانی به عنوان یک توانایی کلی جهت سازگاری عاطفی و اجتماعی

مطرح شده است. سازگاری عاطفی را می توان شامل سلامت روانی خوب، رضایت از زندگی شخصی و هماهنگی میان احساسات، فعالیتها و افکار دانست. به عبارت دیگر، سازگاری عاطفی یعنی مکانیزم هایی که توسط آنها، فرد ثبات عاطفی پیدا می کند و سازگاری اجتماعی شامل سازگاری فرد با محیط اجتماعی خود است که این سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود و یا محیط به دست آید. به طور کلی آنچه از متون تحقیقی برمی آید این است که سازگاری موفقیت آمیز افراد بسته به عملکرد یکپارچه توانش های هیجانی دارد.

اهداف فرهنگ لغت آکسفورد هیجان را هر گونه تحریک یا اغتشاش در ذهن، احساس، عاطفه یا هر حالت ذهنی قدرتمند و تهیج شده تعریف می کند.

سالووی و مهیر [۱۲] (۱۹۹۰) هیجان ها را پاسخ های سازمان یافته ای تعریف می کنند که محل برخورد زیرسیستم های دیگر روانشناختی بوده و سیستم های فیزیولوژیکی، شناختی، انگیزشی و تجربه ای را در بر می گیرد. مهیر و سالووی همچنین هوش هیجانی را نوعی پردازش هیجانی می دانند که توجه به هیجانها ارزیابی صحیح آنها در خود و دیگران، نظم بخشی سازمان یافته آنها، و ابزار مناسب آنها را در بر می گیرد (ریو [۱۳]، ۱۳۸۸: ۴۹).

گلمن هوش هیجانی را توانایی حفظ انگیزه، مقاومت در برابر ناملايمات، کنترل تکانه ها، توانایی به تعویق انداختن کامیابی ها، همدلی با دیگران و امیدوار بودن تعریف می کند (گلمن، ۱۳۸۰: ۶۵)

بار آن [۱۴] (۲۰۰۱) هوش هیجانی را در بر گیرنده مجموعه‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی های غیر شناختی می داند که توانایی فرد را در رویارویی با فشارها و شرایط محیطی بطور موفقیت آمیزی افزایش می دهد (موفق ۱۳۸۳: ۹۳)

تعاریف زیادی از هوش هیجانی از طرف اندیشمندان روان شناس مطرح شده است دانیل گلن در سال ۱۹۹۸ در کتاب خود تحت عنوان کارکرد هوش هیجانی آن را اینگونه تعریف می کند: (هوش هیجانی توانایی درک و فهم هیجان ها و عواطف است به منظور تعمیم آن به عنوان حامی اندیشه، شناخت هیجان‌ها و دانش هیجانی تا بتوانیم آنها را نظم داده تا موجبات رشد عقلی، عاطفی و هیجانی فراهم گردد. هوش هیجانی شامل چهار مولفه و بیست قابلیت است که عبارتند از:

۱- خود آگاهی: از طریق شناخت عمیق عواطف، هیجان‌ها و حالات روانی دیگران، نقاط قوت و ضعف و توانایی ارزیابی صحیح از خود به دست می آید و به عبارتی در خود آگاهی شما هیجان‌ها و احساسات خود را بخوانید و از آنها آگاه باشید. خود آگاهی به افراد اجازه می دهد تا نقاط قوت و محدودیت های خود را بشناسند.

۲- خود مدیریتی: توانایی کنترل و اداره کردن عواطف و هیجان‌ها، توانایی حفظ آرامش در شرایط بحرانی و استرس زا، توانایی خود انگیزشی و ابراز منویات درونی است. به عبارتی خود مدیریتی توانایی کنترل عواطف و هیجان‌ها و رفتارهای صادقانه و درست است. افراد با مهارت خود مدیریتی اجازه نمی دهند بدخلقی‌ها در طول روز از آنها سر بزند و می دانند منشاء بد خلقی‌ها کجاست و ممکن است چقدر طول بکشد.

۳- آگاهی اجتماعی: افراد دارای این مهارت دقیقاً می دانند که گفتار و کردارشان بر دیگران تاثیر می گذارد و می دانند اگر تاثیر رفتارشان منفی باشد آن را تغییر دهند. یک نمونه از مهارت آگاهی اجتماعی همدلی است. همدلی یعنی توانایی ورود به احساسات دیگران یا توانایی درک احساسات کارکنان در فرآیند تصمیم گیری هوشمند فردی یا گروهی است.

۴- مدیریت روابط: شامل برقراری ارتباطات، تاثیرگذاری، تشریک مساعی و کار گروهی است. از این مهارت می توان در جهت گسترش شور و اشتیاق و حل تعارضات استفاده کرد. مهارت های خود آگاهی و خود مدیریتی مربوط به حوزه فردی است اما مهارت های آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط به چگونگی برقراری رابطه با افراد و اجتماع بر می گردد و بیشتر به توانایی افراد در حفظ صحیح روابط خود با دیگران می پردازند. (بلوچی، ۱۳۷۹: ۸۲)

مؤلفه‌های هوش هیجانی

بار-ان [۱۵] (۱۹۹۷)، مدلی چند عاملی برای هوش هیجانی تدوین کرده است. به عبارت دیگر هوش هیجانی دارای ابعاد عاملی است. وی معتقد است که هوش هیجانی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌هایی است که فرد برای سازگاری موثر با محیط و

کسب موفقیت در زندگی، تجهیز می‌کند. براساس دیدگاه بار-ان، هوش هیجانی دارای ۵ طبقه کلی و ۱۵ مولفه است که در درون این طبقه‌ها قرار می‌گیرند که عبارتند از:

۱- هوش هیجانی درون فردی: این طبقه مولفه‌های آگاهی هیجانی، حرمت خود، قاطعیت، خود شکوفایی و استقلال را دربر می‌گیرد.

۲- هوش هیجانی بین فردی: که مولفه‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری، و روابط بین فردی را شامل می‌شود.

۳- هوش هیجانی مقابله با فشار: مولفه‌های تحمل فشار و کنترل تکانه را شامل می‌شود.

۴- هوش هیجانی سازگاری: که دربرگیرنده مولفه‌های واقعیت‌آزمایی، انعطاف‌پذیری و حل مساله است.

۵- هوش هیجانی خلق کلی: شامل مولفه‌های خوش‌بینی و شادکامی است (بار-ان [۱۶]، ۱۹۹۷: ۵۴).

امروزه اغلب پژوهش‌ها، سعی بر این دارند که میزان تاثیرگذاری هوش هیجانی و مولفه‌های آن را در جنبه‌های مختلف زندگی همچون ارتباط، تحصیل، شغل، زندگی و ... مورد بررسی قرار دهند. هوش هیجانی، آخرین و جدیدترین تحول در زمینه‌های تحول در زمینه‌های فهم ارتباط میان تعقل و هیجان است. مدارسی که هوش هیجانی و هوش شناختی را به هم متصل می‌کنند و به پیشرفت همگام و هماهنگ آنها توجه دارند، می‌توانند سطح عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را به طور معنی‌داری بهبود بخشند (آیسا مارا [۱۷]، ۲۰۰: ۶۶۱).

از آغاز دهه ۱۹۹۰ بحث در زمینه اثرات روان‌شناختی هیجان و کارکردهای انطباقی آن و نیز ماهیت رابطه هیجان و شناخت با معرفی مفهوم هوش هیجانی ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در واقع مفهوم هوش هیجانی آخرین پیشرفت در زمینه فهم رابطه بین هیجان و تفکر بوده و محققان (گلمن، ۱۹۹۵؛ سگال، ۱۹۹۷) بر این باورند که کاربرد مفهوم "هوش" یک استعاره مناسب برای سازه‌ای است که از آن با واژه هوش هیجانی یاد می‌شود. ابداع این مفهوم توسط سالووی و مایر در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت (سالووی و مایر، ۱۳۷۹). این پژوهشگران در تعریف خود چهار مولفه پایه را ذکر کرده‌اند که عبارتند از: ۱) ادراک و ابراز هیجان ۲) تسهیل هیجانی تفکر ۳) فهم و تحلیل هیجان‌ها و به کارگیری آگاهی هیجانی ۴) تنظیم واکنشی هیجان جهت ارتقای رشد هیجانی و عقلانی. بنابراین می‌توان کفایت‌های اساسی درگیر در هوش هیجانی را شامل ادراک هیجانی در خود و دیگران، فهم این هیجان‌ها و اداره هیجان ذکر نمود.

بسیاری از پژوهشگران بر این فرض‌اند که بین هوش هیجانی و عملکرد موثر در تطابق با اقتضات روزمره زندگی پیوند وجود دارد (دهشیری، ۱۳۸۳). هوش هیجانی عامل موثر و تعیین‌کننده در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و

تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی و به طور کلی در کنش‌وری سلامت می‌باشد (سیاروچی و همکاران، ۱۳۸۵).
لاونیس و لاونیس (۲۰۰۵) دریافتند که هوش هیجانی بالا با سلامت عمومی بالا همبسته است و با رفتارهای خطرآفرین
(کشیدن سیگار) رابطه منفی دارد و متغیر بسیار اساسی در کنش‌وری‌های سلامت و سبک زندگی شخصی می‌باشد.

مهارت دانش‌آموزان در تنظیم هیجانی می‌تواند بر بهزیستی اجتماعی‌شان تاثیر بگذارد. (کول [۱۸] ۲۰۰۴)؛ (ایزنبرگ [۱۹] ۲۰۰۰). در یک مطالعه بر روی نوجوانان مستر [۲۰] و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند که نوجوانان ۱۵ ساله اسپانیایی که نمرات بالایی در درک و فهم هیجانات داشتند توسط دوستانشان بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. ترینیداد [۲۱] (۲۰۰۱) ارتباط بین هوش هیجانی و مصرف الکل و مواد مخدر را در میان دانش‌آموزان دبیرستانی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از همبستگی منفی هوش هیجانی با میزان مصرف بود. این احتمال وجود دارد که نوجوانانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند توانایی بیشتری جهت درک خواسته‌های دیگران دارند و بخوبی می‌توانند فشار همسالان را دریابند. این توانایی‌ها منجر به مقاومت فزاینده در برابر فشار همسالان جهت مصرف می‌گردد.

پارکر [۲۲] و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی ارتباط پیشرفت تحصیلی و هوش هیجانی پرداختند. نتایج بیانگر ارتباط بسیار بالای میان ابعاد هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی بود. همچنین پارکر و همکاران (۲۰۰۶) میزان ترک تحصیل را در دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار دادند و مشاهده کردند که ادامه تحصیل بشکلی معنادار با میزان بالای شایستگی هیجانی و اجتماعی دانش‌آموزان در ارتباط است. برخورداری از هوش هیجانی بالا پیامدهای تحصیلی و اجتماعی مثبتی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کند (ایزنبرگ و همکاران، ۱۳۷۹). برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر یادگیری هیجانی و اجتماعی توانسته است منجر به تغییرات ارزشمند و مثبت در سطح مدارس گردد (حدادی کوهسار، ۱۳۸۳).

با توجه به نقش تاثیرگذار مدارس بر رشد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان و اهمیت فراگیری این مهارت‌ها در افزایش توانمندی دانش‌آموزان در سازگاری موثرتر با خود و محیط و همچنین حساسیت ویژه دوره نوجوانی و تاثیرات پایدار این دوره بر شکل‌گیری شخصیت نوجوان، ضرورت توجه و آموزش سواد هیجانی و مهارت‌های هوش هیجانی در دوره دبیرستان روشن می‌گردد.

محیط اجتماعی مدرسه نمونه کوچکی از نظام اجتماعی جامعه تلقی می‌گردد. روابطی که دانش‌آموزان با معلمان و همسالان خود در مدارس برقرار می‌کنند، نقش اساسی در اکتساب نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های بنیادین اجتماعی دارد و درک دانش‌آموزان را از جامعه و محیطی که در آن قرار دارند، تحت تاثیر قرار می‌دهد. مدرسه یکی از مهمترین بافت‌های یادگیری مهارت‌های هیجانی است. آموزش هیجانی می‌تواند از طریق گستره‌ای از تلاش‌ها مانند آموزش کلاسی، فعالیت‌های فوق‌برنامه،

جو و شرایط حمایتی مدرسه، و درگیر کردن دانش‌آموزان، معلمان و والدین در فعالیتهای اجتماعی صورت گیرد. در صورتی که فرآیند اجتماعی شدن و رشد مهارت‌های هیجانی در محیط اولیه خانواده مطلوب نباشد، این امکان وجود دارد تا مدارس از طریق آموزش‌های ترمیمی به جبران این کاستی‌ها بپردازند. براین اساس بسیاری از مربیان و روانشناسان نسبت به توجه و توسعه آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی در مدارس تاکید کرده‌اند (معیری، ۱۳۸۳: ۲۷).

تحولات عظیمی که در حوزه‌های هوش و هیجان رخ داده دیدگاه‌های سنتی را زیر سؤال برده و بر ارتباط نزدیک و درهم تنیده هوش و هیجان تأکید نموده است. سالووی [۱] و مایر [۲] (۱۹۹۰)، آشکارا بر در هم تنیدگی هوش و هیجان تأکید می‌کنند. از نظر آنها «هوش هیجانی» عمدتاً به عنوان توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، تمیز قابل شدن میان هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات هیجان‌ها در حل مسئله و نظم‌بخشی رفتار تعریف می‌شود (مایر، ۱۳۸۳: ۶۹).

بسیاری از پژوهشگران بر این فرض‌اند که بین هوش هیجانی و عملکرد موثر در تطابق با اقتضات روزمره زندگی پیوند وجود دارد (دهشیری، ۱۳۸۳: ۴۷). هوش هیجانی عامل موثر و تعیین‌کننده در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی و به طور کلی در کنش‌وری سلامت می‌باشد (سیاروچی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

آموزش دانش‌آموزان با هدف پیشرفت آنها در زمینه تحصیلی صورت می‌گیرد. مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسأله‌ای پیچیده است، چرا که آن یک عنصر چندبعدی است، و به گونه‌ای بسیار ظریف به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش‌آموز مربوط است. بسیاری از پژوهشگران قبلی بر روی تأثیر توانایی‌های ذهنی و شناختی بر پیشرفت تحصیلی تأکید می‌کردند. اما به مرور زمان مشخص شد که هر چند توانایی‌های ذهنی و شناختی تا اندازه‌ای با پیشرفت تحصیلی رابطه دارند و تا حدود زیادی پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند، اما تنها کلید پیش‌بینی موفقیت تحصیلی نیستند. به همین دلیل محققان در سال‌های اخیر متوجه یکسری از عوامل غیرشناختی شده‌اند که می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و به طور کلی موفقیت مؤثر باشند (گلمن [۳]، ۱۹۹۵ و بار - اون [۴]، ۱۹۹۷). این محققان در تبیین اهمیت عوامل غیرشناختی در موفقیت به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند و نشان داده‌اند که چنانچه این اندازه‌های غیرشناختی را برای پیش‌بینی موفقیت به اندازه‌های هوش‌شناختی اضافه کنیم، پیش‌بینی موفقیت به طور معناداری با احتمال بیشتری امکان‌پذیر می‌شود، تا این که تنها از اندازه‌های توانایی هوش‌شناختی استفاده کنیم.

در نظام تعلیم و تربیت ما دانش‌آموزان با یک هدف آموزش می‌بینند و آن موفقیت آنان در زمینه تحصیلی، شغلی و ... است، اما معیار و ملاک موفقیت چیست؟ آیا معیار، تنها یک مغز علمی موفق است؟ در گذشته جواب این سؤال مثبت بود، اما امروزه

نظریه های زیاد و جدیدی ارائه شده اند که این دیدگاه را نه تنها نمی پذیرند، بلکه به کلی رد می کنند، مثل نظریه هوش چندگانه گاردنر [۵] (۱۹۸۳)، نظریه هوش هیجانی [۶] بار- آن (۱۹۸۸)؛ به نقل از آبیسمرا [۷] (۲۰۰۰)، مایر و سالووی [۸] (۱۹۹۰) و گلن [۹] (۱۳۸۲). پس ما می توانیم بگوییم که موفقیت به هوش شناختی صرف بستگی ندارد، بلکه به چندین نوع هوش بستگی دارد. هوش شناختی به تنهایی معیار موفقیت فرد نیست، بلکه در تبیین موفقیت علاوه بر این هوش به هوش اجتماعی و هیجانی نیز پرداخت.

در بسیاری از دانش آموزان ناموفق در تحصیل، اختلاف بین عملکرد تحصیلی و ظرفیت عقلانی قبل از هرگونه آسیب شناسی روانی، عوامل اجتماعی، فرهنگی را منعکس می کند. این عوامل اساساً با تولید انگیزش پایین برای موفقیت تحصیلی یا امکانات محدود جهت اکتساب آن، به کسب معدل های پایین و بر خلاف انتظار منجر می شود. هرچند تحقیقات زیادی در مورد منشاء اجتماعی، فرهنگی انگیزه پایین تحصیلی صورت نگرفته، ولی ملاک کافی بر اعتقادات که ارزش ها و اهداف غیر تحصیلی توسط عوامل خانوادگی، مدرسه، گروه همسالان و نقش جنس پرورده می شود، وجود دارد (قریشی راد، ۱۳۷۶: ۱۶).

هوش براساس تعریف سنتی خود مدت ها به عنوان اصلی ترین عامل موفقیت و پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می شد. بیش از یکصد سال، بهره هوشی معیاری برای سنجش هوش فردی محسوب می شد. آزمون بهره هوشی تنها شاخصی بود که نشان دهنده توانایی یادگیری شخص محسوب می شد. روانشناسی معتقد است نمره های درسی، هوشبهر یا نتایج آزمون استعداد تحصیلی (SAT) علیرغم ارزش و اعتبار آن در میان عموم، نمی توانند قاطعانه پیش بینی کنند که چه کسی در زندگی موفق خواهد شد. بر این قاعده که هوشبهر پیش بینی کننده موفقیت است، استثنای زیادی وجود دارد. در بهترین حالت هوشبهر حداکثر بیست درصد در پیش بینی موفقیت در زندگی سهم دارد، در حالیکه هشتاد درصد باقی مانده به نیروهای دیگر مربوط می شود (گلن [۱۰]، ۱۳۸۰: ۶۴).

امروزه با تغییر در دیدگاه های نظری در خصوص عوامل تشکیل دهنده هوش، نمی توان آن را پیش بینی کننده موفقیت برای پیشرفت تحصیلی محسوب نمود (همان، ۶۵). طرفداران هوش هیجانی بر این باورند که برای پیش بینی عملکرد فردی، هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی توان بیشتری دارد. گاردنر [۱۱] معتقد است یک نوع واحد و یکپارچه هوش نیست که موفقیت در زندگی را تضمین می کند، بلکه طیف وسیعی از هوش وجود دارد که سبب موفقیت فرد در حیطه های مختلف زندگی می شود. بنابراین دانستن این که شخصی فارغ التحصیل ممتازی است، تنها به این معنی است که او در جنبه هایی که با نمره سنجیده می شود بسیار موفق بوده است، اما درباره این که او به فراز و نشیب های زندگی چه زندگی چه واکنشی نشان می دهد،

چیزی به ما نمی گوید (ثمری، ۱۳۸۶: ۹۲). در نظام آموزشی ما نیز این مشکل وجود دارد که صرفاً بر توانایی تحصیلی تأکید می شود و هوش هیجانی یعنی مجموعه ای از صفاتی که بی اندازه در سرنوشت افراد اهمیت دارند، نادیده انگاشته می شود چرا که توانمندی ها و شایستگی های اجتماعی و هیجانی از عوامل تعیین کننده و تأثیر گذار بر موفقیت تحصیلی محسوب می شوند. طبق نظر برخی پژوهشگران عوامل تعیین کننده در پیشرفت تحصیلی عبارتند از: هوش، محیط خانواده، سطح سواد والدین، ارتباط بین همسالان، انگیزش، مفهوم خود و سازش روانی. پژوهشگران بر ضرورت توجه به بررسی پیش بینی کننده های گسترده تر موفقیت تحصیلی تأکید کرده اند بر پایه ی همین نیاز، عوامل اجتماعی - اقتصادی، روابط همسالان، و ویژگی های آموزشگاه ها بررسی و هریک به گونه ای با موفقیت تحصیلی مرتبط دانسته اند. ثمری و طهماسبی در طی تحقیقی در زمینه ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی به این نتیجه دست یافته اند که هوش عمومی فقط ۵۰ درصد پیشرفت تحصیلی را تبیین می کند (ثمری و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۷۷). مطالعات انجام شده مبین نقش و اهمیت هوش هیجانی در شئون مختلف زندگی افراد اعم از تحصیل، شغل، محیط اجتماعی و سلامت روانی فرد می باشد.

در فرآیند آموزش و یادگیری عوامل متعددی دخیل هستند و محققان همواره برای بهبود و تسریع این فرآیند به دنبال راهکارهایی بوده اند.

"هوش هیجانی" از جمله مهم ترین عواملی است که در بهبود یادگیری و در نتیجه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد. از آغاز دهه ۹۰ بحث در زمینه اثرات روان شناختی هیجان و کارکردهای انطباقی آن و نیز ماهیت رابطه هیجان و شناخت با معرفی مفهوم هوش هیجانی ابعاد تازه ای به خود گرفت. در واقع مفهوم هوش هیجانی آخرین پیشرفت در زمینه فهم رابطه بین هیجان و تفکر بوده است. تئوری هوش هیجانی دیدگاه جدیدی درباره ی پیش بینی عوامل مؤثر بر موفقیت و همچنین پیش گیری اولیه از اختلالات روانی هم فراهم میکند. پژوهش های نوین نشان میدهند که فقدان هوش هیجانی می تواند آثار مخربی را در زمینه های فردی و اجتماعی ایجاد کند و برعکس، تحصیل و تقویت آن، زمینه ساز موفقیت های بزرگ خواهد بود. آموزش هوش هیجانی می تواند بستر مناسبی برای اعتلای فردی و اجتماعی در حوزه های مختلف و متنوع فرهنگ فراهم آورد.

بنابراین افرادی با داشتن هوش عمومی متوسط و هوش هیجانی بالا خیلی موفقتر از کسانی هستند که هوش عمومی بالا و هوش هیجانی پایین دارند. پس هوش هیجانی پیش بینی کننده موفقیت افراد در زندگی و نحوه برخورد مناسب با استرسها است. این هوش از پنج مولفه ۱۵ عاملی تشکیل شده است. بعبارتی اگر افراد تعداد بیشتری از این مولفه ها را در خود بیابند

هوش هیجانی بالاتری دارند: ۱- مهارتهای درون فردی ۲- مهارتهای میان فردی ۳- سازگاری ۴- کنترل استرس ۵- خلق عمومی.

سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی، به وضعیتی اطلاق می شود که افراد خود را به تدریج و از روی عمد یا غیر عمد تعدیل می کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند، هدف عمده و اصلی اجتماعی شدن هماهنگی فرد با محیط اجتماعی است تا با ارتباط سالم و مؤثری که بین فرد و جامعه برقرار می شود، زمینه رشد شخصی فراهم گردد. لذا مهمترین شاخص و نشانه ی اجتماعی شدن، سازگاری اجتماعی است، سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقشهای خود و نحوه ی عملکرد در نقش هاست، که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخص قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار می گیرد (والی پور، ۱۳۸۰).

مبانی نظری پیرامون سازگاری اجتماعی

بند اول: نظام و ساختار اجتماعی

یک نظام اجتماعی، مجموعه ای از کنشگران فردی است که در موقعیتی که دست کم جنبه فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند و رابطه ی شان با همدیگر و محیط بواسطه ی یک نظام ساختار بندی شده ی فرهنگی و نمادهای مشترک مشخص می شود (پارسونز ۱، ۱۹۵۱؛ نقل از ریتزر ۲؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷).

پدیده ی جمعی به نسبت خود بسنده است که اعضایش می توانند همه نیازهای فردی و جمعی شان را برآورده سازند و یکسره در چارچوب آن زندگی کنند (روشه، ۱۹۷۵؛ ترجمه زنجانی زاده، ۱۳۷۰). هومنز (۱۹۷۱) معتقد است که انسانها موجودات اجتماعی اند و در کنش متقابل با یکدیگر به سر می برند و اینکه اصول حاکم، بر رفتار فردی بر رفتار اجتماعی انسان ها نیز تسلط دارد. تبادل های انسانی ویژگی دوطرفه دارند و هر دو طرف در یک رابطه تبادلی با یکدیگر قرار دارند (ریتزر؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶ ساختار اجتماعی به الگوهای تشخیص پذیر در زندگی اجتماعی، قواعد مشاهده پذیر و اشکال قابل شناسایی اطلاق می شود

(بلاو، ۱۹۷۵) از طرفی درهم ریختگی بی شکلی و رفتار انفرادی بشری که تابع هیچ نظم و قاعده ای نیست در نتیجه ساختاری ندارد (هومنز، ۱۹۷۵؛ نقل از بیرامی، ۱۳۸۷).

کنشگران خود را در یک ساختار اجتماعی می یابند این ساختار اجتماعی همانندی های اجتماعی شان را مشخص می کند و آن نیز به نوبه ی خود الگوی برداشت آنها را از مزایایی که ممکن است از اتخاذ هر یک از راه های گوناگون کنش به دست آورند معین می سازند. در ضمن، ساختار اجتماعی توانایی انجام دادن کنش از سوی کنشگران را در جهات متفاوت مشخص می سازد. کافمن (۱۹۶۶) معتقد است که ساختارها (قوانین، قواعد) افراد را قادر می سازد تا رخدادهای زندگی شخصی و جهان شان را ادراک کنند، ماهیت و موقعیت را تشخیص دهند و در جهت سازمان دادن تجربه و راهنمایی کنش فردی یا جمعی عمل کنند. گیدنز (۱۹۸۷)،

نظام اجتماعی را به عنوان عملکردهای اجتماعی باز تولید شده یا روابط باز تولید شده میان کنشگران یا جمع هایی که به صورت عملکردهای اجتماعی با قاعده سازمان گرفته اند تعریف می کند.

باید اظهار نمود که جهان حیاتی، مکانی متعالی است که گوینده و شنونده در آن ملاقات می کنند و به گونه ای متقابل این داعیه ها را مطرح می سازند که گفته های شان با دنیایشان سازگاری دارد آنها می توانند اعتبار این داعیه ها را مورد انتقاد یا تأیید قرار دهند در نتیجه به توافقهایی برسند (هابرماس، ۱۹۸۷؛ نقل از ریتزر؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷)

بند دوم: تعریف و ماهیت سازگاری

مفهوم سازگاری از واژه ی انطباق در زیست شناسی گرفته شده است که یکی از پایه های نظریه تکامل داروین (۱۹۸۵) است و به ساختارهای بیولوژیکی و فرایندهایی که زنده ماندن انواع موجودات را تسهیل می کند اشاره دارد (لازاروس، ۱۹۷۵؛ نقل از بشارت، ۱۳۸۴) سازگاری یک ساختار فیزیولوژیکی یا کالبد شناختی، یک فرآیند زیست شناختی یا یک الگوی رفتاری است که در طول تاریخ به بقا و تولید مثل کمک کرده است (ویلسون، ۱۹۷۵؛ نقل از توکلی، ۱۳۷۶) سازگاری از راه انتخاب طبیعی به وجود می آید و باید قابل انتقال از راه توارث باشد. (هرگنهان و السون ۲۰۰۵؛ ترجمه سیف، ۱۳۸۵).

هر موجودی برای حفظ خود و تامین نیازهایش تلاش می کند تا با محیطی که در آن زندگی می کند سازگار شود، این تلاش در انسان جریانی پویا و بدون انقطاع است چون هم نیازهای او متنوع و در حال دگرگونی هستند و هم شرایط و اوضاع و احوال محیطی که در آن نیازهای مزبور می بایستی برآورده گردند در حال تغییر و دگرگونی است (نوایی نژاد، ۱۳۷۰). سازگاری در روان شناسی عبارت است از رابطه ای که هر ارگانیزم با توجه به شرایط پیرامون محیطش با محیط برقرار می کند. این اصطلاح معمولاً به سازگاری روان شناختی یا اجتماعی اشاره دارد و با معنای ضمنی مثبت، زمانی به کار گرفته می شود که فرد در یک

فرآیند مستمر برای ابراز استعداد های خود واکنش نسبت به محیط و در عین حال در جهت تغییر آن به گونه ای مؤثر و سالم درگیر است) ربر، ۱۹۹۵، به نقل از صدیق اورعی، (۱۳۷۹).

مک دونالد (۱۹۸۵) می گویند: "فردی سازگار است که پاسخهایی که او را به تعامل با محیطش قادر می کند، آموخته باشد و به طریق قابل قبول با اعضای جامعه خود رفتار کند تا نیازهای او ارضا شوند". یک فرد در یک موقعیت اجتماعی خاص می تواند خود را به راه های گوناگون با آن موقعیت تطبیق دهد یا سازگار کند (فنونی، ۱۳۸۰).

هم نوایی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد، باورها، ارزش ها، نمادها و هنجارهای گروه را درونی کرد و در ساخت شخصیت خود، یگانگی بخشیده باشد. همنوایی، استاندارد و یکسان شدن رفتار است (روشه، ۱۹۷۵؛ ترجمه زنجانی زاده، ۱۳۷۰).

منظور از سازگاری انطباق متوالی با تغییرات و ایجاد ارتباط بین فرد و محیط، به نحوی که با رفاه اجتماعی همراه باشد. سازگاری امری است نسبی و انسانها با درجات مختلفی به سازگاری دست می یابند (والی پور، ۱۳۸۰). زمانی که افراد دچار تضاد و یا در تأمین احتیاجات خود با مانع برخورد کنند اگر بتوانند برای رفع موانع عاقلانه رفتار کنند و از طریق مختلف اقدام نمایند در این

صورت فعالیت های آنان، مثبت و نتیجه بخش خواهد بود و این فعالیت ها را سازگاری گویند (شریعتمداری، ۱۳۹۶).

هر گاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که حالت ناخوشایندی به وی دست دهد و برای ایجاد توازن، نیازمند بکارگیری نیروهای درونی و حمایت های خارجی باشد، و در این اسلوب جدید موفق شود و مسأله را به نفع خود حل نماید، گویند فرآیند سازگاری به وقوع پیوسته است (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). فرد اجتماعی شده پیوسته ارتباطی دوگانه با جامعه دارد، از یک سو در جامعه عجین شده است و از سوی دیگر در برابر آن می ایستد، از دید زمیمل، در جامعه همیشه، هماهنگی با کشمکش، جذب با دفع و عشق با نفرت همراه است به این ترتیب روابط در جامعه سرشار از ابهام است. از طرفی افراد نسبت به همدیگر علاوه بر احساسات مثبت احساسات منفی نیز نسبت به یکدیگر دارند، بنابراین در عالم تجربه گروه و جامعه ای را نمی توان یافت که یکسره هماهنگ و عاری از هر گونه تضاد باشد. پارسونز (۱۹۹۵) عموماً چنین تصور می کرد که کنشگران در فرا گرد اجتماعی شدن، گیرندگانی منفعل اند، کودکان نه تنها عمل کردن، بلکه باید هنجارها، ارزش ها و اخلاقیات جامعه را فرا گیرند وی معتقد است نیاز به ارضا، کودکان را به اجتماع پیوند می دهد. این نیاز در مراحل بعدی زندگی، گرایش به ثبات دارند و از طریق یک تقویت ظریف و ملایم همچنان مستمر خواهند ماند. پس می توان گفت زمانی

فرد از سازگاری بهره مند است، که بتواند میان خود و محیط اجتماعی اش، رابطه ای سالم برقرار کرده و نیازها و انگیزه های خود را ارضا نماید (صدیق اورعی، ۱۳۷۹).

عوامل مؤثر بر سازگاری

در یک تقسیم بندی کلی می توان عوامل مؤثر بر سازگاری را در چهار دسته ذیل قرار دارد:

۱- عوامل فردی: ویژگی های فردی (از قبیل عدم جذابیت فیزیکی، وجود نقص عضو، بیماری های جسمی و مهارت های حرکتی که از کنترل فرد خارج هستند) در جذب و یا عدم پذیرش از سوی همسالان نقش مهمی دارند.

۲- عوامل خانوادگی: خانواده اولین و مهمترین محیطی می باشد که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی می یابد و در رشد شخصیت و اجتماعی شدن وی نقش اساسی به عهده دارند.

۳- عوامل اجتماعی: تغییرات سریع و بزرگ اجتماعی مانند فقر، اعتیاد، تماس دائمی با معیارهای اخلاقی و فرهنگی مغایر با معیارهای خانوادگی احتمالاً بر عدم سازگاری کودکانی افزایش می دهد.

۴- همسالان: احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان ها از اساسی ترین نیازهای فردی است که در زمینه های مختلفی از جمله روابط همسالان بروز میکند و بر رشد روانی و جسمی و اجتماعی فرد تأثیر می گذارد و به طور کلی نوجوانان، همسالانی را ترجیح می دهند که بشاش، انعطاف پذیر، خوش طینت و مشتاق باشند، افرادی از نظر آنها محبوبند که به دیگران یاری دهند تا احساس کنند از سوی سایرین پذیرفته شده اند، روابط ضعیف با همسالان در دوران نوجوانی پیشگوی ناسازگاری عاطفی دوران بزرگسالی است (ماسن؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰).

بررسی انواع سازگاری

اسکات (۱۹۸۹)، به نقل از فرقدانی، (۱۳۸۳) انواع سازگاری را به این صورت عنوان می کند:

الف - سازگاری آموزش یا تحصیلی

ب - سازگاری بین فردی یا اجتماعی

ج - سازگاری خانوادگی

از طرفی سینها و سینگ (۱۹۹۳) نیز سازگاری را به صورت، الف - سازگاری آموزشی ب - سازگاری اجتماعی و ج - سازگاری عاطفی توصیف کرده است.

الف - سازگاری آموزشی یا تحصیلی

جریان شکل گیری خود پنداره تحصیلی از این قرار است. اگر دانش آموز در فعالیت های مختلف آموزشی، در اکثر موضوع های درسی و در طی چندین سال متوالی، احساس شایستگی کند و از سوی دیگران کار و فعالیتش به طور مثبت ارزیابی شود یک احساس کلی شایستگی در وی - حداقل در ارتباط با یادگیری موضوع های درسی، ایجاد می شود. به همین منوال، اگر کوشش های یادگیرنده در فعالیت های آموزشی با شکست مواجه شود و از دیگران ارزیابی منفی دریافت کند در او نسبت به توانایی اش دست کم در رابطه با یادگیری آموزشی یک احساس عمیق عدم شایستگی ایجاد می شود (سیف، ۱۳۷۸).

این احساس شایستگی و مهارت های شخصی، فرد را قادر خواهد کرد تا در مقابله با موقعیت های بحرانی زندگی، روش های واقع بینانه ای را به کار برد. البته دانش آموزانی که زیر فشار والدین و در رقابت شدید با همکلاسی های خود در گرفتن نمره های بالا توفیق می یابند غالباً شخصیتی نامتعادل، وسواسی و مضطرب دارند. بیکر و دسایریک (۱۹۸۴) سازگاری تحصیلی را به عنوان داشتن نگرشهای مثبت نسبت به اهداف تحصیلی وضع شده، کامل کردن شروط تحصیلی، مؤثر بودن برای رسیدن به این شروط و نگرش مثبت به محیط تحصیلی تعریف کرده است (بالترا ۲۰۰۲، به نقل از عیدیان، ۱۳۸۵).

ب - سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی به وضعیتی اطلاق می شود که افراد خود را به تدریج و از روی عمد یا غیر عمد تعدیل می کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند، هدف عمده و اصلی اجتماعی شدن هماهنگی فرد با محیط اجتماعی است تا با ارتباط سالم و مؤثری که بین فرد و جامعه برقرار می شود، زمینه رشد شخصی فراهم گردد. لذا مهمترین شاخص و نشانه ی اجتماعی از نقش های خود و نحوه ی عملکرد در نقش هاست، که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخص قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار می گیرد (والی پور، ۱۳۸۰). در حیات اجتماعی افراد متمدن، سازگاری اجتماعی حتی از پاسخ گفتن انسان به احتیاجات بدنی هم مهم تر است. انسان علاوه بر جنبه فیزیولوژیکی که دارد یک موجود اجتماعی است. چنانچه کودک احساس ناامنی کند و یا دانشجوئی خود را تنها حس نماید و یا شخصی خود را شکست خورده بپندارد، لازم است به نحوی خود را با محیط سازش

دهد. فرق اساسی بین سازگاری فیزیولوژیکی و اجتماعی آن است که در طی جریان اول تنها یک راه جهت برقرار کردن تعادل از دست رفته وجود دارد و حال آنکه در جریان دوم عدم برقراری تعادل با وجود ناراحتی و پریشانی شخص باعث مرگ او نمی شود ولی دائماً انسان با آن دست به گریبان است. مثلاً شخص گرسنه چنانچه غذا به او نرسد فوت می کند ولی شخصی که احتیاج به محبت دارد با داشتن زندگی پررنجی به حیات خود ادامه می دهد (توکلی، ۱۳۷۶) برای مشخص کردن این نوع سازگاری اجتماعی باید هم به خود فرد و هم به گروه دوستان، همسالان و محیط وی توجه نمود تا درک بهتری از سازگاری اجتماعی بدست آید (اسکات، ۱۹۸۹، به نقل از فرقدانی، ۱۳۸۳).

ج - سازگاری خانوادگی

مکانیسم هایی است که توسط آن یک فرد احساس امنیت و اعتماد نسبت به اعضای خانواده خصوصاً والدین می یابد و با آنها ارتباط درستی برقرار می کند، این نوع سازگاری از طریق رضایت کودکان از خانواده هایشان و درجه دوستی آنها با والدین ارزیابی می گردد. از یافته ها چنین بر می آید که سازگاری خانوادگی با سازگاری آموزش ارتباط نزدیک دارد و ابعاد سازگاری از یکدیگر تأثیر می پذیرند. ویژگی هایی را برای خانواده های سالم که اعضای آن کاملاً سازگار هستند در نظر گرفته اند.

د - سازگاری عاطفی

واکنش کودک در سال های اول زندگی خود مربوط به اطرافیان و اغلب عاطفی است. این گونه واکنش ها در ابتدا کلی است و نمی توان دقیقاً بر آن ها نام یکی از حالات عاطفی را گذارد. همراه با جریان عمومی رشد در تمامی زمینه ها، تظاهرات عاطفی مربوط به هر یک از حالات عاطفی به مرور مشخص تر و اختصاصی تر می شوند. در واقع یادگیری و کسب تجربه باعث می شود که بین تظاهرات عاطفی و محیط اجتماعی سازش به وجود آید. توجه و پشتیبانی از کودک باعث می شود که او به استقلالی که مورد نیازش است دست یابد. به تدریج که کودک بزرگتر می شود همراه با رشد کلامی و شکل گیری شخصیتی او و کسب تجربه و یادگیری تظاهرات عاطفی، کودک راهی اجتماعی تر و مناسب تری برای بروز می یابد. همراه با کاسته شدن حالات عاطفی غیرمنطقی کودک، در صورت لزوم تظاهرات عاطفی او تغییر شکل می دهد تا متناسب با موقعیت اجتماعی شوند و امنیت او را به مخاطره نیندازد (وظیفه شناس، ۱۳۸۰) انسانی که از نظر عاطفی رشد یافته است. در ایجاد رضایت و وفاداری تواناست و از خشنود کردن دیگران لذت می برد.

پیشینه ی تحقیق

رضویان شاد (۱۳۸۴) در پژوهش خود رابطه‌ی معناداری را بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌دست آورد. اینگلبگ (۲۰۰۴)، به نقل از رضویان شاد، (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان: هوش هیجانی، عاطفه و سازگاری اجتماعی نشان داد که بین سازگاری اجتماعی موفقیت‌آمیز و هیجان‌ها ارتباط مستقیمی وجود دارد. او بر این فرض که هیجان‌ها، ممکن است در سطح سازگاری اجتماعی مؤثر باشند، تأکید می‌کند. سخندان (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های اجتماعی، مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان دبستانی را به طور معناداری کاهش داده است.

بنابراین با توجه به اهمیت هوش هیجانی در مدیریت استرس و سازگاری رفتارها و نهایتاً سازگاری اجتماعی، این مطالعه به منظور بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان پسر ابتدایی شهر جزینک انجام شده است.

بیان مساله

هدف اصلی از این تحقیق، تعیین میزان رابطه‌ی هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان ابتدایی ۹ و ۱۰ و ۱۱ ساله بود. فرض اصلی تحقیق عبارت بود از: هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرض‌های فرعی تحقیق عبارت بود از:

- بین عوامل هوش هیجانی (خوش‌بینی، درک عواطف، کنترل عواطف و مهارت‌های اجتماعی) با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش نمونه گیری

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی دانش‌آموزان ابتدایی دوره دوم شهر جزینک بودند که با توجه به میزان برآورد حجم آماری و روش پژوهش که توصیفی از نوع همبستگی بود، از میان آنان، ۵۲ نفر به شکل نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای گزینش شدند.

تعیین حجم نمونه:

اخذ تصمیم درباره حجم نمونه، از لحاظ تامین میزان دقت نتایج نمونه‌گیری و صرفه جویی در مقدار وقت و هزینه، از اهمیتی خاص برخوردار است. بدیهی است که بزرگ بودن حجم نمونه موجب صرف هزینه و وقت زیاد، و کوچک بودن حجم نمونه موجب عدم دقت کافی برآوردها می‌شود. سعی ما بر این است که در چارچوب اطلاعات موجود و با توجه به وقت و هزینه ممکن و دقت لازم، مناسب‌ترین حجم ممکن نمونه را انتخاب کنیم.

بدین ترتیب برای تعیین حجم نمونه به سراغ علم آمار می‌رویم و حجم نمونه را با در نظر گرفتن میزان دقت و سطح اطمینان مورد نظر محاسبه می‌کنیم.

برای تعیین تعداد نمونه مورد نیاز جهت برآورد پارامتر مورد نظر (برای مثال نسبت یک صفت خاص در جامعه، مانند نسبت معلمان ورزشکار) باید میزان اشتباه مجاز در برآورد پارامتر را در نظر گرفت. مقدار اشتباه مجاز () معمولاً به صورت تفاوت میان پارامتر و برآورد آن بیان می‌شود. در برخی از پژوهش‌های علوم رفتاری که از طریق نمونه‌گیری انجام می‌شود، معمولاً یافتن برآورد برای نسبت صفت متغیر در جامعه () مد نظر است.

در صورتی که بخواهیم نسبت افراد جامعه که دارای یک ویژگی خاصی هستند () را برآورد کنیم، جهت محاسبه حجم نمونه مورد نیاز از رابطه زیر استفاده می‌شود:

که در آن برآورد نسبت صفت متغیر با استفاده از مطالعات قبلی و است. همچنین مقدار متغیر نرمال با سطح اطمینان است که از جدول مربوطه استخراج می‌شود و در سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۶ است. و در صورتی که حجم نمونه بیشتر از ۳۰ باشد، بر اساس قضیه حد مرکزی، توزیع میانگین نمونه به صورت بهنجار (نرمال) خواهد بود.

چنانچه مقدار در دسترس نباشد، می‌توان آن را مساوی ۰/۵ اختیار کرد. در این حالت مقدار واریانس () به حداکثر خود یعنی ۰/۲۵ می‌رسد.

چنانچه تعداد نمونه (n) بدست آمده از فرمول فوق نسبت به حجم جامعه (N) کوچک باشد ()، حجم نمونه محاسبه شده به عنوان نمونه نهایی مورد نظر قرار می‌گیرد. در غیر اینصورت، تعداد نمونه را n0 نامیده و با استفاده از رابطه زیر تعداد نمونه را برای حجم نهایی تعدیل می‌کنیم:

در این رابطه n0 حجم نمونه است که باید تعدیل شود.

قابل ذکر است اگر از همان ابتدا بخواهیم با توجه به حجم جامعه، نمونه را برآورد کنیم، فرمول فوق به قرار زیر خواهد بود (پس از جایگذاری فرمول قبل و خلاصه نمودن فرمول):

فرمول فوق، فرمول کوکران برای جامعه معین می‌باشد.

تعیین حجم نمونه در این پژوهش

حال برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش سطح اطمینان را برابر ۰,۹۵ در نظر می‌گیریم (به عبارت دیگر ۵ درصد خطا را تحمل می‌کنیم). ضمناً مقدار اشتباه مجاز در برآورد نسبت یک ویژگی خاص را (مثلاً درصد (نسبت) آشنایی مدیران با وظایف خویش در رسیدن به اهداف) را برابر ۰,۰۵ در نظر می‌گیریم. ضمناً حجم جامعه کل نیز برابر با ۶۰ نفر می‌باشد.

در این صورت :

$$n = \frac{60(1.96)^2(0.25)}{60(0.05)^2 + (1.96)^2(0.25)} = 52$$

بنابراین حجم بهینه نمونه مساوی با ۵۲ نفر خواهد بود.

ابزار سنجش:

روش های آماری: داده ها از طریق نرم افزار (SPSS ۲۶) تجزیه و تحلیل شد. از شاخص های آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و شاخص های آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس برای تجزیه و تحلیل داده ها، استفاده گردید.

معرفی ابزار

پرسشنامه هوش هیجانی: پرسشنامه هوش هیجانی توسط مایر و سالووی (۱۹۹۷) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۳۳ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت می باشد، پرسشنامه چهار بعد آگاهی، تسهیل، شناخت و کنترل دارای را مورد سنجش قرار می دهد، این پرسشنامه توسط حسینی (۱۳۹۲) اعتباریابی شده است.

متغیرها	ابعاد مختلف	
	شماره	نام
وقتی احساسی مثبت را تجربه می کنم، می دانم چگونه آن را طولانی تر کنم.	۱۲	کنترل
نسبت به پیام های غیر شفاهی ارسالی برای دیگران آگاهی و احاطه دارم.	۱۵	
برای تفریحات دیگران برنامه ریزی می کنم.	۱۳	
دوست دارم که احساساتم را با دیگران تقسیم کنم.	۱۱	
از احساساتم، همانطور که آنها را تجربه کرده ام آگاهم.	۹	
احساسات؛ چیزی است که زندگی مرا ارزشمند می کند.	۸	
وقتی روحیه ام تغییر می کند، توانائی های جدیدی را در خود کشف می کنم.	۷	
وقتی که در حالت مثبتی هستم، با ایده های جدیدی روبه رو می شوم.	۲۰	
به دنبال فعالیت هایی هستم که باعث خوشحالی می شود.	۱۴	
از احساساتم، همانطور که آنها را تجربه کردم آگاهم.	۹	
با نگاه کردن به حالت چهره ی افراد، متوجه احساس درونی آنها می شوم.	۱۸	
من، با گوش دادن به صدای افراد می توانم از احساس آنها با خبر شوم.	۲۸	
کاملاً احساس کسی را که از وقایع مهم زندگی تعریف می کند، درک می کنم.	۲۵	
می دانم که چرا احساساتم تغییر می کند.	۱۹	
به راحتی می توانم احساساتی را که قبلاً تجربه کرده ام تشخیص دهم.	۲۲	

انتظار اتفاق افتادن چیزهای خوب را دارم	۱۰	
به خودم با تصور یک نتیجه‌ی خوب در کارم، انگیزه می‌دهم.	۲۳	
من از کسانی که کارشان را خوب انجام می‌دهند تعریف می‌کنم.	۲۴	
انتظار اتفاق افتادن چیزهای خوب را دارم	۱۰	تسهیل ادراکی
وقتی که در حالت مثبتی هستم، حل کردن مسائل برایم راحت است.	۱۷	
من به روشی رفتار می‌کنم که در دیگران تاثیر خوب بگذارد.	۱۶	
به افراد شکست خورده کمک می‌کنم که احساس بهتری داشته باشند.	۲۷	
وقتی که در حالت مثبتی هستم، با ایده‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوم.	۲۰	
اگر بدانم که در برابر یک چالش شکست می‌خورم، زود تسلیم نمی‌شوم.	۲۶	
به دنبال فعالیت‌هایی هستم که باعث خوشحالی‌م می‌شود.	۱۴	
ارزیابی صحیحی از موقع مناسب در میان‌گذاری مشکلاتم با دیگران، دارم.	۱	
به خودم با تصور یک نتیجه‌ی خوب در کارم، انگیزه می‌دهم.	۲۳	
دیگران به راحتی به من اعتماد می‌کنند.	۴	
من انتظار دارم که همیشه و در تمام تلاش‌هایم عالی باشم.	۳	
هنگام مواجهه با موانع به یاد می‌آورم که در برابر موردی مشابه، غالب بوده‌ام	۲	
ارزیابی صحیحی از موقع مناسب در میان‌گذاری مشکلاتم با دیگران، دارم.	۱	
این که مردم چیزی را احساس می‌کنند و انجام می‌دهند، برایم ثقیل نیست.	۲۹	ادراک درونی
برای من درک پیام‌های غیر شفاهی دیگران سخت نیست.	۵	

شیوه نمره گذاری

ارزش	گویه (سوال)	شماره گویه
مثبت	من؛ ارزیابی صحیحی از موقع مناسب در میان‌گذاری مشکلاتم با دیگران، دارم.	۱

مثبت	۲	وقتی با موانع و مشکلات روبه‌رو می‌شوم؛ به یاد می‌آورم که پیش از این نیز با موردی مشابه، روبه‌رو شده‌ام و بر آن غلبه نموده‌ام.
مثبت	۳	من انتظار دارم که همیشه و در تمام تلاش‌هایم عالی باشم.
مثبت	۴	دیگران به راحتی به من اعتماد می‌کنند.
منفی	۵	برای من درک پیام‌های غیر شفاهی دیگران سخت است.
مثبت	۶	برخی از رویدادهای مهم زندگی‌م باعث شده که نگرش خود را راجع به مسائل مهم و غیر مهم، تغییر دهم.
مثبت	۷	وقتی که روحیه‌ی من تغییر می‌کند، توانایی‌های جدیدی را در خود کشف می‌کنم.
مثبت	۸	احساسات؛ چیزی است که زندگی مرا ارزشمند می‌کند.
مثبت	۹	من از احساساتم، همانطور که آنها را تجربه کردم آگاهم.
مثبت	۱۰	من انتظار دارم؛ که چیزهای خوب اتفاق بیفتد.
مثبت	۱۱	من دوست دارم که احساساتم را با دیگران تقسیم کنم.
مثبت	۱۲	وقتی که من یک احساس مثبت را تجربه می‌کنم، می‌دانم که چگونه آن را طولانی‌تر کنم.
مثبت	۱۳	برای تفریحات دیگران برنامه‌ریزی می‌کنم.
مثبت	۱۴	به دنبال فعالیت‌هایی هستم که باعث خوشحالی‌م می‌شود.
مثبت	۱۵	نسبت به پیام‌های غیر شفاهی که برای دیگران می‌فرستم آگاهی و احاطه دارم.
مثبت	۱۶	من به روشی رفتار می‌کنم که در دیگران تاثیر خوب بگذارد.
مثبت	۱۷	وقتی که در حالت مثبتی هستم، حل کردن مسائل برایم راحت است.
مثبت	۱۸	با نگاه کردن به حالت چهره‌ی افراد، متوجه احساس درونی آنها می‌شوم.
مثبت	۱۹	می‌دانم که چرا احساساتم تغییر می‌کند.
مثبت	۲۰	وقتی که در حالت مثبتی هستم، با ایده‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوم.
مثبت	۲۱	بر روی احساساتم کنترل دارم.
مثبت	۲۲	به راحتی می‌توانم احساساتی را که قبلاً تجربه کرده‌ام تشخیص دهم.

مثبت	۲۳	به خودم با تصور یک نتیجه‌ی خوب در کارم، انگیزه می‌دهم.
مثبت	۲۴	من از کسانی که کارشان را خوب انجام می‌دهند تعریف می‌کنم.
مثبت	۲۵	هنگامی که کسی برای من از وقایع مهم زندگیش تعریف می‌کند، کاملاً احساساتش را درک می‌کنم.
منفی	۲۶	اگر بدانم که در برابر یک چالش شکست می‌خورم، زود تسلیم می‌شوم.
مثبت	۲۷	من، به افرادی که شکست خورده‌اند کمک می‌کنم که احساس بهتری داشته باشند.
مثبت	۲۸	من، با گوش دادن به صدای افراد می‌توانم از احساس آنها با خبر شوم.
منفی	۲۹	درک این که چرا مردم چیزی را که احساس می‌کنند، انجام می‌دهند؛ برای من سخت است.

طیف مورد استفاده در پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت می‌باشد (شامل: کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) در جدول زیر نشان داده شده است.

مقیاس درجه‌بندی سوالهای پرسشنامه‌های پژوهش بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت

گزینه انتخابی	کاملاً موافقم	موافقم	تا اندازه‌ای	مخالفم	کاملاً مخالفم
امتیاز گویه های مثبت	۵	۴	۳	۲	۱
امتیاز گویه های منفی	۱	۲	۳	۴	۵

تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه

به این ترتیب که ابتدا پرسشنامه‌ها را بین جامعه خود تقسیم و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده‌ها را وارد نرم افزار اس پی اس کردیم. البته قبل از وارد کردن داده ها پرسشنامه را در نرم افزار اس پی اس تعریف کردیم و سپس شروع به وارد کردن داده ها نمودیم.

تعیین پایایی و روایی ابزارهای اندازه گیری

برآورد پایایی پرسشنامه ها

برای تعیین پایایی، روشهای مختلفی وجود دارد. در این تحقیق برای مشخص نمودن پایایی پرسشنامه ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه ها یا آزمودن هایی که ویژگیهای مختلف را اندازه گیری می کنند بکار می رود. در اینگونه ابزار، پاسخ هر سوال می تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. سرمد و همکاران (۱۳۸۷) معتقدند که «برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره های هر زیرمجموعه سوالات پرسشنامه یا زیرآزمون و واریانس کل را محاسبه نمود. سپس با استفاده از فرمول مربوطه مقدار ضریب آلفا را بدست آورد» (ص ۱۶۹).

ضریب پایایی پرسشنامه های از طریق فرمول زیر به وسیله نرم افزار SPSS محاسبه شده است.

$$ra = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

ra = ضریب آلفای کرونباخ

J = تعداد سوالات آزمون

$\sum s_j^2$ = واریانس سوالات آزمون

s^2 = واریانس کل آزمون

در پژوهش حسینی (۱۳۹۲) شاخص آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ی ۳۳ گویه ای هوش هیجانی برابر با ۰/۹۱ محاسبه شده است که حاکی از پایایی بالای پرسشنامه است. همچنین روایی سازه تا حد زیادی مورد تائید قرار گرفت

برآورد روایی پرسشنامه ها

روایی به این مفهوم اشاره دارد که وسیله اندازه گیری چیزی را که ادعا می کند دقیقاً همان چیز را اندازه بگیرد یعنی متناسب با آن باشد و از مهمترین آن روایی صوری و محتوایی است و برای اینکه پرسشنامه ای حداقل دارای روایی محتوایی

^۱ reliability

^۲ Cronbach Alpha Coefficient

^۳ validity

باشد باید سوالات آزمون با توجه به مبانی تئوریک دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا میزان ارتباط و تناسب آنها با موضوع روشن گردد.

در مطالعه حسینی (۱۳۹۲) برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد خانم دکتر نخعی و دکتر سرگزی و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است. و از آنها در مورد مربوط بودن سؤالات، واضح بودن و قابل فهم بودن سؤالات و اینکه آیا این سؤالات برای پرسشهای تحقیقاتی مناسب است و آنها را مورد سنجش قرار می دهد، نظر خواهی شد و مورد تایید قرار گرفت.

۱- پرسشنامه استاندارد سازگاری اجتماعی ۱۵ سوالی

پرسشنامه سازگاری اجتماعی توسط سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) به منظور سنجش سازگاری اجتماعی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ سوال و ۵ بعد سازگاری شخصی، سازگاری اجتماعی، سازگاری تحصیلی، سازگاری شغلی و سازگاری خانوادگی می باشد و بر اساس طیف لیکرت با سوالاتی مانند (مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط صمیمی مرا با دیگران و کسانی که با من زندگی می کنند را ضعیف می کند). به سنجش سازگاری اجتماعی می پردازد.

تعریف عملیاتی متغیر پرسشنامه

در این تحقیق منظور از سازگاری اجتماعی نمره ای است که پاسخ دهندگان به سوالات ۱۵ گویه ای پرسشنامه سازگاری اجتماعی می دهند.

مولفه های پرسشنامه و پرسشنامه

توزیع سوالات پرسشنامه

شماره سوالها	تعداد سوالها	ابعاد پرسشنامه
۱ تا ۳	۳	سازگاری شخصی
۴ تا ۶	۳	سازگاری اجتماعی
۷ تا ۹	۳	سازگاری تحصیلی

سازگاری شغلی	۳	۱۰ تا ۱۲
سازگاری خانوادگی	۳	۱۳ تا ۱۵

به هیچ وجه									توانایی	بسیار
									برخی اوقات مشکلات روزمره افراد، توانایی آنها در انجام امور و کارهای روزمره را تحت تاثیر قرار می دهد. برای بررسی تاثیر مشکلات شما بر روی هر یک از ابعاد زندگی خواهشمند است میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از موارد زیر با علامت ضربدر مشخص کنید.	۳
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، توانایی مرا در انجام کارهای شخصی ام دچار ضعف می کند.	۱
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت شخصی مرا ضعیف می کند (گوش دادن به موسیقی، تماشای تلویزیون، مطالعه کردن، پیاده روی، باغبانی کردن).	۲
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، توانایی انجام مدیریت کارهای شخصی ام را در من ضعیف می کند (مرتب کردن اتاقم، نظافت کردن، بی نظمی در کارها).	۳
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، تحمل دیگران را برای من سخت می کند (زود رنج شدن، مستعد شدن برای عصبانیت، یه اعتنایی به دیگران).	۴
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های تفریح مرا دچار ضعف می کند (مهمانی رفتن، پذیرایی از میهمان ها، تفریح با دوستان، بازی ها و فعالیت های گروهی).	۵
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط صمیمی مرا با دیگران و کسانی که با من زندگی می کنند را ضعیف می کند.	۶

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های تحصیلی مرا ضعیف می کند (تمرکز برای مطالعه، مدت زمان مطالعه، روش مطالعه، مشارکت در کلاس).	۷
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه تحصیلی مرا ضعیف می کند (بی حوصلگی به هنگام مطالعه، بی رغبتی و کمرختی برای شروع مطالعه، بی میلی در انجام تکالیف درسی).	۸
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، عملکرد تحصیلی مرا تضعیف می کند (پایین آمدن نمرات، ارئه تکالیف ضعیف).	۹
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انجام امور شغلی ام را ضعیف می کند (ضعف در انجام وظایف شغلی، حضور نامرتب در محیط کار).	۱۰
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط مرا در محیط کار با دیگران تضعیف می کند (ضعف در انجام وظایف شغلی، حضور نامرتب در محیط کار).	۱۱
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه مرا برای کارکردن ضعیف می کند (بی رغبتی به محیط کار، بی حوصلگی برای رفتن به سر کار، بی رغبتی به انجام کارها).	۱۲
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباطم را با اعضای خانواده ام ضعیف می کند (تمایلی به تنهایی، کاهش میزان گفتگو، کاهش حضور در خانه، قهر کردن).	۱۳
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، باعث درگیری با اعضای خانواده ام می شود (آمادگی برای پرخاشگری به اعضای خانواده، زیاد شدن بحث و مجادله با اعضای خانواده).	۱۴
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه ام را برای پرداختن به امور مربوط به خانه و خانواده ضعیف می کند (انجام وظایف خانوادگی، توجه به نیاز دیگر اعضای خانواده).	۱۵

تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه

به این ترتیب که ابتدا پرسشنامه‌ها را بین جامعه خود تقسیم و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده ها را وارد نرم افزار اس پی اس کنید. البته قبل از وارد کردن داده ها شما باید پرسشنامه را در نرم افزار اس پی اس تعریف کنید و سپس شروع به وارد کردن داده ها کنید.

چگونگی کار را برای شفافیت بیشتر به صورت مرحله به مرحله توضیح می دهیم

مرحله اول. وارد کردن اطلاعات تمامی سوالات پرسشنامه (دقت کنید که شما باید بر اساس طیف لیکرت عمل کنید .

مرحله دوم. پس از وارد کردن داده های همه سوالات، سوالات مربوط به هر مولفه را کمپیوت (compute) کنید. مثلا اگر مولفه اول X و سوالات آن ۱ تا ۷ است شما باید سوالات ۱ تا ۷ را compute کنید تا مولفه x ایجاد شود.

به همین ترتیب همه مولفه ها را ایجاد کنید و پس از این کار در نهایت شما باید همه مولفه ها که ایجاد کردید را با هم compute کنید تا این بار متغیر اصلی تحقیق به وجود بیاید که به طور مثال متغیر مدیریت دانش یا ... است.

مرحله سوم. حالا شما هم مولفه‌ها را به وجود آورده اید و هم متغیر اصلی تحقیق را؛ حالا می توانید از گزینه آنالیز هر آزمونی که می خواهید برای این پرسشنامه (متغیر) بگیرید.

مثلا می توانید آزمون توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، واریانس) یا می توانید آزمون همبستگی را با یک متغیر دیگر بگیرید.

نمره گذاری پرسشنامه:

ردیف	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
نمره									

برای محاسبه امتیاز هر زیرمقیاس، نمره تک تک گویه های مربوط به آن زیرمقیاس را با هم جمع کنید. برای محاسبه امتیاز کلی پرسشنامه، نمره همه گویه های پرسشنامه را با هم جمع کنید. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۰ تا ۱۲۰ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بیشتر سازگاری اجتماعی خواهد بود و بالعکس.

روایی و پایایی پرسشنامه

روایی ابزار جمع آوری داده ها

اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش ربیعی (۱۳۹۲) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است.

پایایی ابزارهای جمع آوری داده ها

قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش ربیعی (۱۳۹۲) برای این پرسشنامه بالای ۰/۶ برآورد شد.

ضریب پایایی پرسشنامه

ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)	پرسشنامه
۰/۶۴	سازگاری شخصی
۰/۷۳	سازگاری اجتماعی
۰/۸۴	سازگاری تحصیلی
۰/۷۶	سازگاری شغلی
۰/۸۲	سازگاری خانوادگی

روش کار

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی دوره دوم شهر جزینک می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ در یکی از مدارس شهر مشغول به تحصیل هستند نمونه پژوهش حاضر ۵۲ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند ابتدا از بین مدارس ابتدایی شهر ۳ کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند در مرحله بعد از بین دانش آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم هر یک از کلاس ها ۲۰ نفر انتخاب شدند به طور تصادفی تعداد ۵۲ نمونه پرسشنامه بین دانش آموزان توزیع شد دامنه سنی دانش آموزان انتخاب شده بین ۹ تا ۱۱ سال بود.

روش اجرا: اطلاعات مورد نیاز پژوهش با اجرای پرسش نامه ها به صورت گروهی بر روی نمونه های موردنظر به دست آمد. برای جلوگیری از سوگیری ذهنی آزمودنی ها نسبت به محتوای آزمون، نام و محتوای آزمون ها پس از اجرا به آن ها اعلام شده و نمرات برخی از آن ها که تمایل داشتند نیز در اختیارشان گذاشته شد. از تعداد ۶۰ پرسش نامه توزیع شده در نهایت ۵۲ پرسش نامه تکمیل شده به وسیله نرم افزار SPSS 26 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده ها: در پژوهش حاضر برای توصیف داده ها از شاخص های گرایش مرکزی مانند میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است و با توجه به روش و ماهیت پژوهش و سوالات آن، برای تحلیل سوال های پژوهش مستقل t از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون استفاده شده است.

در پژوهش حاضر برای گرد آوری اطلاعات اولیه و بررسی متون موجود در حوزه موضوع پژوهش از اسناد و پژوهش های گذشته استفاده گردید منابع کتابخانه ای و مقالات موجود در مجلات و نشریات داخلی اطلاعات مفیدی را به ما ارائه نمود که این اطلاعات ما را در یافتن شاخص های اصلی پژوهش برای گردآوری داده های مورد نیاز جهت سنجش موضوع مورد پژوهش یاری داد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت پرسشنامه بسته می باشد. به منظور گرد آوری اطلاعات لازم، از پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۱۹۹۷) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) استفاده شد.

دانش آموزان پسر در این پژوهش مد نظر بودند.

بحث و نتیجه گیری

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه سنی

گروه سنی	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۹	خوش بینی	۵۲	۳۹/۴۲	۷/۹۱
	درک هیجانها	۵۲	۴۷/۳۲	۸/۷۹
	کنترل هیجانها	۵۲	۳۰/۳۲	۶/۹۷
	مهارتهای اجتماعی	۵۲	۲۵/۷۸	۶/۸۷
	هوش هیجانی	۵۲	۱۴۰/۲۴	۲۵/۲۰
	سازگاری اجتماعی	۵۲	۱۹/۶۲	۴/۹۷
۱۰	خوش بینی	۵۲	۳۶/۶۰	۷/۹۸
	درک هیجانها	۵۲	۴۶/۲۲	۹/۳۳
	کنترل هیجانها	۵۲	۳۰/۹۴	۹/۷۴
	مهارتهای اجتماعی	۵۲	۲۴/۳۲	۷/۱۴
	هوش هیجانی	۵۲	۱۳۸/۸۸	۲۱/۷۳
	سازگاری اجتماعی	۵۲	۱۷/۵۴	۴/۸۰
۱۱	خوش بینی	۵۲	۳۵/۴۲	۶/۵۸
	درک هیجانها	۵۲	۳۰/۴۸	۷/۹۰
	کنترل هیجانها	۵۲	۲۹/۲۴	۶/۷۹
	مهارتهای اجتماعی	۵۲	۲۴/۲۶	۵/۷۴
	هوش هیجانی	۵۲	۱۳۶/۴۰	۱۷/۶۴
	سازگاری اجتماعی	۵۲	۱۸/۲۲	۲/۸۷

اطلاعات جدول ۱ نشان می دهد که در همه ی گروه های سنی، از میان عوامل هوش هیجانی ، عامل درک هیجانها دارای بیشترین میانگین و مهارت های اجتماعی دارای کمترین میانگین است. همچنین، نتایج نشان می دهد که نمره ی کلی هوش هیجانی در گروه

۱۰ ساله دارای بیشترین میانگین به میزان ۱۴۰/۲۴ - سنی ۱۱ ساله دارای کمترین - ۱۳۶/۱۴۰ و سازگاری اجتماعی گروه سنی ۹ ساله دارای بیشترین میانگین به میزان ۱۹/۶۲ و در گروه سنی ۱۰ ساله های دارای کمترین میانگین به میزان ۱۷/۵۴ است.

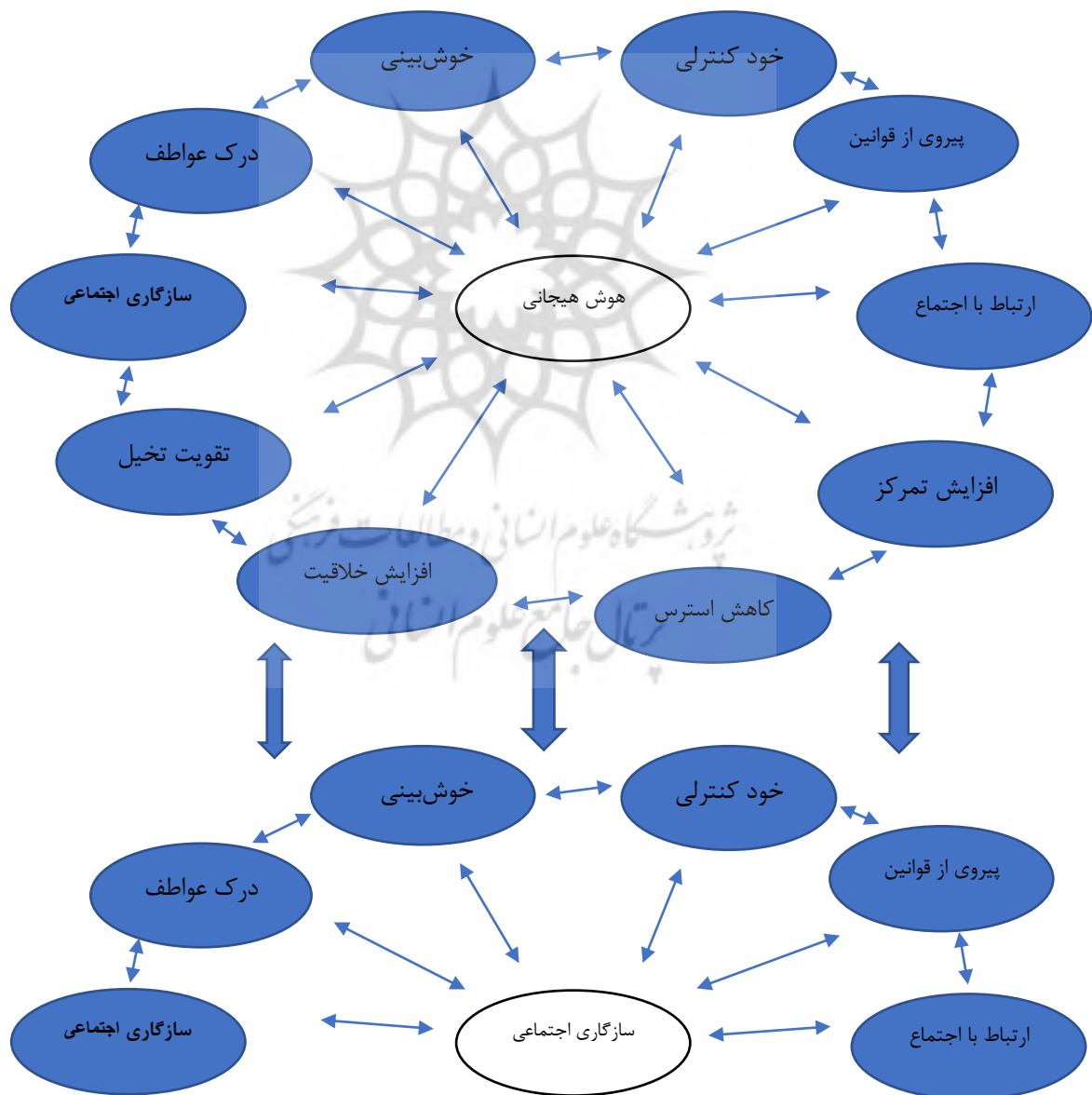
جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در گروه های نمونه تحقیق

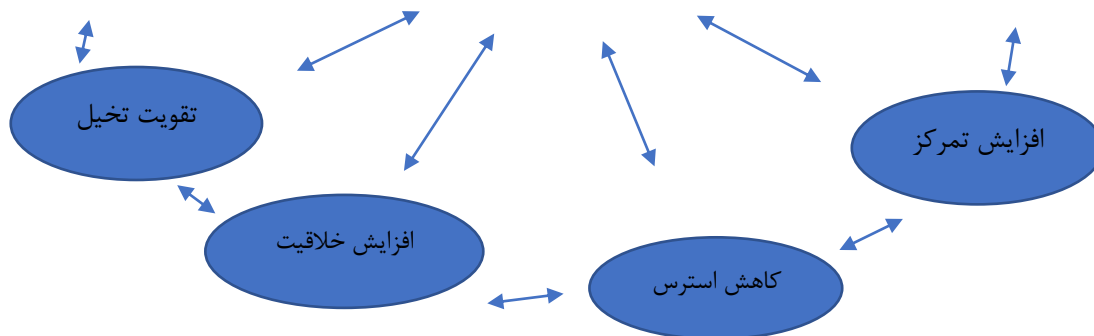
گروه سنی	خوش بینی	درک هیجانها	کنترل هیجانها	مهارتهای اجتماعی	سازگاری اجتماعی
سازگاری اجتماعی	r =0/56	r =0/30	r =0/25	r =0/15	r =0/28
۹	P =0/001**	P =0/030*	P =0/07	P =0/28	P =0/04*
ساله	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
سازگاری اجتماعی	r =0/32	r =0/35	r =0/50	r =0/134	r =0/551
۱۰	P =0/02*	P =0/01**	**P =0/001	P =0/35	P =0/001**
ساله	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
سازگاری اجتماعی	r =0/22	r =0/08	r =0/22	r =0/04	r =0/14
۱۱	P =0/12	P =0/58	P =0/11	P =0/89	P =0/32
ساله	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
سازگاری اجتماعی	r =0/43	r =0/25	r =0/37	r =0/15	r =0/37
بدون سن	P =0/001**	P =0/002*	P =0/001**	P =0/06	P =0/001**
	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲

$P < 0/05$

•• $P < 0/01$

اطلاعات جدول ۲ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را به طور جداگانه در سه گروه سنی و بدون در نظر گرفتن سن به طور کلی نشان می دهد. همان گونه که جدول نشان می دهد، این همبستگی بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در گروه سنی ۱۱ ساله معنادار نیست، اما سازگاری این رابطه در گروه های دیگر در سه متغیر خوش بینی، درک هیجان ها و کنترل هیجان ها با سازگاری اجتماعی معنادار است و با در نظر نگرفتن سن، باز هم این رابطه معنادار است؛ یعنی خوش بینی، درک هیجان ها و کنترل هیجان ها به تنهایی می توانند در سازگاری اجتماعی مؤثر باشند.





هدف از مطالعه ی حاضر، تعیین میزان رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی بود. یافته های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی و دو مؤلفه ی آن (عامل خو شبینی و درک عواطف) با سازگاری اجتماعی در کودکان ۹ ساله رابطه معناداری دارد. این یافته ها بیان می کند که این گروه توانایی خوش بینی و درک عواطف خود و دیگران را دارند که تعیین کننده ی میزان سازگاری آنان با دیگران است؛ یعنی هر چقدر میزان هوش هیجانی آنان بالاتر باشد، میزان سازگاری آنان بیشتر می شود. البته، نتایج نشان می دهد که در نوجوانان گروه ۱۱ ساله نمره ی هوش هیجانی با سه مؤلفه ی آن؛ یعنی درک عواطف خود و دیگران و کنترل و تنظیم عواطف با سازگاری اجتماعی رابطه ی معناداری دارد و این به این معنی است که هرچه کودک بزرگتر می شود، آگاهی و درک اجتماعی بیشتری کسب می کند و در نتیجه، بهتر می تواند هیجان های خود را کنترل کرده، با دیگران سازگار شود؛

این یافته احتمالاً با پژوهش های آنجیر (۱۹۹۵) مبنی بر اینکه نوسان سطح تستوسترون و استروژن، موجب افزایش بی صبری،

تحریک پذیری و پایین آمدن تحمل نوجوانان می شود، با این توجیه مبنی بر اینکه مرتبط است. همین طور خودمحوری کودک به عنوان الگوی تفکر تأثیرگذار بر رفتار و روابط آنان است، تا حدی انطباق دارد.

اساساً هر چقدر کودک بزرگتر می شود، تمایلات درون گرایی و نوسان های خلقی او بیشتر می شود و این امر سازگاری او را با دیگران تا حدی دشوار می سازد، اما زمانی که نوجوان پا به عرصه ی جوانی می گذارد، به آرامش خلقی می رسد و روابط او با دیگران بسیار سازنده تر و گرمتر است، زیرا از پشتوانه ی آگاهی و عقلی بالاتری برخوردار است.

بدین ترتیب، تحلیل آماری داد هها نیز نشان داد که هوش هیجانی و چند مؤلفه ی آن، توان پیش بینی سازگاری اجتماعی افراد را دارد؛ یعنی با افزایش هوش هیجانی، کارکرد اجتماعی افراد بهبود یافته، زمینه ی پذیرش اجتماعی و سازگاری اجتماعی فراهم می شود و به طور متقابل، با کاهش هوش هیجانی، میزان ارتباط و پذیرش اجتماعی کاهش می یابد و در نتیجه، مشکلات سازگاری اجتماعی بیشتر می شود. نتایج این تحقیق با یافته های تحقیق (صفوی و لطفی (۲۰۰۸)، استرلا و جوزفینا (۲۰۰۹) پنکراتوا (۲۰۱۰)، اینگلیبرگ (۲۰۰۴)، کانگوسی و پیترسون (۱۹۹۸)، رضویان شاد (۱۳۸۴)، فورگاس (۲۰۰۰)، البیوت و همکاران (۲۰۰۱)، کاپلس (۲۰۰۵)، سیورز (۲۰۰۸)، سخندان (۱۳۸۷)، بشارت (۱۳۸۴) فرقدانی (۱۳۸۳) و نادری (۱۳۸۸) همسوست.

۱. سیف، ع. (۱۳۸۴). روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
۲. سرمد، زهره، حجازی، الهه و عباس بازرگان (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه.
۳. ربیعی، سمیه. (۱۳۹۲). مقایسه عزت نفس، سازگاری، سلامت روان و امید تحصیلی در بین نوجوانان دارای رابطه با جنس مخالف و فاقد رابطه با جنس مخالف، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۴. غفارزادگان، د. (۱۳۶۸). چگونه می توان به پیشرفت تحصیلی کودکان کمک کرد. نشریه ماهانه پیوند. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۱۲۳
۵. نیکنام، فخرالزمان، (۱۳۹۳)، مقاله تاثیر هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
۶. دهشیری، غلامرضا، (۱۳۸۲)، مقاله بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
۷. گنجی، ح. (۱۳۸۶)، روانشناسی عمومی. تهران: نشر ساوالان.
۸. براهنی، م. (۱۳۶۹). زمینه روانشناسی (جلد دوم). تالیف ارنست هیلگارد. (۱۹۸۳) و ریتال اتکینسون. تهران: انتشارات رشد.
۹. فرخنده، م. (۱۳۸۶) آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. تهران: انتشارات پیام نور.
۱۰. حسن زاده، رمضان و ساداتی کیادهی، سید مرتضی. (۱۳۸۸). هوش هیجانی (مدیریت احساس، عاطفه و هیجان)، انتشارات نشر روان.
۱۱. حیدری، ح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان هوش و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه اول دبیرستان حضرت محمد (ص) شهرستان ملک آباد. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه خوارزمی
۱۲. کرامت، احمد رضا (۱۴۰۰) سلامت روان چیست؟ انتشارات گروه تحقیقاتی کرامت.
۱۳. شجاعی، بید واز. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل آموزشی موثر بر افت تحصیلی دانش آموز پایه اول مقطع متوسطه پسرانه در شهرستان اسفراین در سال تحصیلی ۸۸ و ۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم
۱۴. شلویری، گلرخ. (۱۳۷۷)، بررسی ارتباط ویژگی ها و مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه تهران
۱۵. اسکندری نسب، علی اصغر، اسکندری نسب، حمید (۱۳۹۹) هوش هیجانی (EQ) و مدیران کار آمد، انتشارات ماهواره.
۱۶. نظری گندشمین، محمد (۱۳۹۸) نقش هوش هیجانی و نگرش به صمیمیت در پیش بینی سلامت روان دفاعیه ارشد.
۱۷. قاسم نژادیانی، قاسم، یوسفوند، مرضیه (۱۴۰۰) هوش هیجانی و منبع کنترل با سلامت روان، انتشارات جالیز
۱۸. یار احمدیان، احمد، شرفی راد، حیدر (۱۳۹۴) تحلیل رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان.
۱۹. سرمد، ز؛ بازرگان، ع. و حجازی، ا. (۱۳۸۷) روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات آگاه.
۲۰. گلمن، دانیل (۱۳۸۲). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا. چاپ دوم. انتشارات رشد.
۲۱. حجازی، الهه، بازرگان، عباس، سرمد، زهره (۱۳۷۶) روش های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات نشر آگاه

۲۲. تات مریم، امیری شعله، شفتی سیدعباس عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس مقطع متوسطه دخترانه اصفهان: دارای آزمون ورودی - بدون آزمون ورودی. مطالعات روانشناسی تربیتی. ۱۳۸۸ [
۲۳. ابوالقاسمی، ع.، جوانمیری، ل.، ۱۳۹۱. نقش مطلوبیت اجتماعی، خودکارآمدی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر. روانشناسی مدرسه

۱. Mayer, J.D,& Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey, & D. Sluyter (Eds), Emotional development and emotional intelligence: Educational implications. New York: Basic Books.

